

برای دانش آموزان استثنایی

براساس مصوبات سازمانهای بین المللی و دیدگاه اسلام

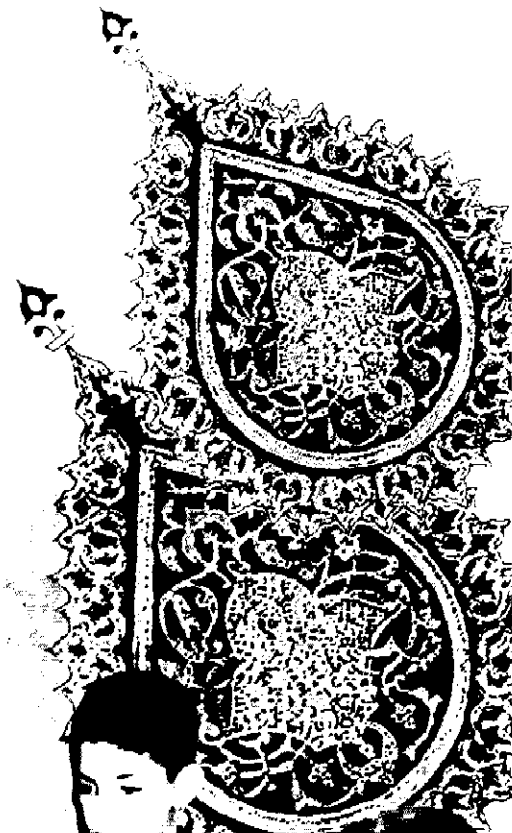
ژاله رفاهی، کارشناس آموزش و پرورش استثنایی فارس

مقدمه :

افراد استثنایی دارای ناتوانی به لحاظ قرارداد داشتن در شرایط دشوار و لزوم برخوردارى از مراقبتها و آموزش و پرورش ویژه باید از حقوق خاص اجتماعی برخوردار باشند که این امر برای جبران کاهش فرصتهای معلولان برای شرکت در زندگی اجتماعی است.

براساس آخرین تعریفهای سازمان ملل متحد معلولیت عبارت از فقدان یا کاهش فرصتها برای سهیم شدن در زندگی اجتماعی در سطحی برابر با دیگران در اثر اختلالات ذهنی، جسمی یا حسی است. نگرش جدید به پدیده معلولیت در سالهای اخیر باعث شده است که به جای واژه معلول یا ناتوان^۱ از این افراد تحت عنوان افراد دارای ناتوانی یا کم توان یاد شود. برای جبران این کم توانی و قراردادن فرد کم توان در سطح برابر با سایر افراد سالم اجتماع اعطا حقوقی ویژه، به این افراد ضروری دانسته شده است. حقوق این گونه افراد بخصوص آموزش و پرورش و تسهیل نقش و تکالیف دولتها و متنها در حمایت از آنان مانند بسیاری دیگر از مفاهیم حقوق بشر تنها در دهه های اخیر بطور جدی مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. این گروه مانند سایر افراد از کلیه حقوق مقرر برای اعضای یک جامعه برخوردار بوده و همچنین حقوق ویژه مازاد بر این حقوق نیز به آنان اعطای گردد.

از میان حقوق ویژه، دو دسته از آنها اهمیت خاص و حیاتی دارند. دسته اول حقوق مربوط به توانبخشی و مراقبتهای جسمی و بهداشتی و دسته دوم مربوط به آموزش و پرورش ویژه است که در اسناد و کنوانسیونهای بین المللی به این دو دسته حقوق بیش از همه تأکید و توجه خاص شده است.



اسناد و پیمان نامه های بین المللی :
 برآورد سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ نشان داد که بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در جهان دچار معلولیت هستند این رقم در آغاز هزاره سوم میلادی با توجه به رشد جمعیت به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر بالغ شده است که ۸۰ درصد آنان در کشورهای در حال توسعه و فقیر جهان زندگی می کنند و عمدتاً از خدمات توانبخشی و آموزش و پرورش مناسب محرومند.

اگرچه معلولیت از روزهای آغاز زندگی بشر همزاد او بوده اما تلاشهای جدی در حمایت و تعلیم و تربیت معلولان از اوایل قرن نوزدهم میلادی آغاز شده است و در اوایل قرن بیستم گسترش یافت و در اواسط آن موضوع حقوق این افراد مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت و تاکنون گامهای بلندی در احقاق حقوق معلولان برداشته شده است. در خلال این مدت عزم جامعه جهانی در حمایت از معلولان بویژه کودکان با نیازهای ویژه در تلاشهای هماهنگ بین المللی ظهور یافته و تکالیف دولتها و ملتها در قبال آنان روشن گردیده است. تبیین این حقوق و تکالیف در اسنادی همچون اعلامیه جهانی حقوق کودک (۱۹۵۹)، اعلامیه حقوق افراد کم توان ذهنی (۱۹۷۸)، آیین نامه برابر فرصتها برای معلولان (۱۹۸۶)، برنامه اقدام

جهانی برای معلولین (۱۹۸۷)، اعلامیه جهانی بقا رشد و حمایت کودکان (۱۹۹۰) و اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳) و اعلامیه نهضت جهانی برای کودکان و نوجوانان (۲۰۰۱)، تجلی یافته است. البته برخی از ارگانهای تخصصی سازمان ملل متحد از جمله یونسف، سازمان بهداشت جهانی، سازمان یونسکو و برخی از سازمانهای غیردولتی بین المللی نیز قدمهای موثری در این زمینه برداشته اند.

آموزشی، امکان آموزش در مدارس عمومی برای اغلب آنان، برخورداری از کادر آموزشی متخصص و امکان برخورداری از آموزشهای فنی و کسب مهارتهای شغلی. در کشورهای مختلف جهان تدابیر و راهکارهایی برای برقراری حقوق آموزش و پرورش افراد استثنایی اندیشیده شده است و دولتهایی کوشیده اند قوانین و تسهیلاتی به منظور احقاق این



حقوق برقرار سازند انگلستان، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا) حال آنکه ۸۰ درصد معلولان جهان بنا بر آمار سازمان ملل در کشورهای در حال توسعه و فقیر جهان به سر می برند که غالباً از امکانات آموزش و پرورش مناسب و حتی توانبخشی محروم هستند. به عنوان مثال تحقیقات سازمان ملل نشان داده است که در کشور بنگلادش تنها ۲٪ از کودکان معلول

برخی از حقوقی که در زمینه آموزش و پرورش افراد استثنایی به رسمیت شناخته شده عبارتند از: آموزش برای مراقبت از خود، آموزش نحوه حرکت، ارتباطات، مهارتهای ضروری برای زندگی روزمره با توجه به نیاز آنها، بهره مندی، از خدمات آموزشی ویژه و وسایل کمک آموزشی متناسب با وضعیت آنها، بهره مندی از امکان آموزشی و ادامه تحصیل در تمام مقاطع





درمدرسه حضور دارند و فرصت رشد و نمو مناسب برای آنان شدیداً محدود است و یا اصلاً وجود ندارد. یونیسف برآورد کرده است که با در نظر گرفتن تمهیدات ویژه ای ۹۰٪ از کودکان معلول قادر خواهند بود

جمهوری اسلامی ایران به پیمان حقوق کودک در سال ۱۳۷۳، در راستای احقاق حقوق معلولان و افراد استثنایی تاکنون تلاشهای زیادی صورت گرفته است و براساس گزارش مقدماتی ایران (۱۹۹۸) به سازمان ملل متحد هم

کلاس درس انجام گرفته و تعداد این افراد در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ برابر ۶۰۰۰۶ نفر بوده است که توسط ۱۲۱۸۵ نفر کادر آموزشی تحت آموزش قرار گرفته اند. جدول شماره ۱ تعداد و سطح تحصیلی دانش آموزان استثنایی

جدول ۱- تعداد دانش آموزان استثنایی کشور در مقطع مختلف تحصیلی در سال ۷۵ بوده اند.

| مقطع آموزش | پیش دبستانی | دبستانی | حرفه ای | راهنمایی | دبیرستانی جدید | هنرستان قدیم | هنرستان | جمع |
|---------------|----------------|---------|---------|----------|-------------------|-----------------|---------|-------|
| فراوانی | ۱۲۳۶۶ | ۴۱۸۶۷ | ۷۰۵ | ۳۱۷۲ | ۶۰۸ | ۶۱۶ | ۶۷۲ | ۶۰۰۰۶ |
| درصد | ۲۰٫۶ | ۶۹٫۷۸ | ۱٫۱۷ | ۵٫۳ | ۱٫۰۱ | ۱٫۰۲ | ۱٫۱۲ | ۱۰۰ |

در مدارس عادی تحصیل کنند اما در گزارش ملی که کمیته ملی هماهنگی در امور افراد ناتوان از ترکیه به سازمان ملل ارسال داشته، اشاره شده است که متاسفانه به دلیل عدم وجود

اکتون بیش از ۷۰ هزار کودک استثنایی در مقاطع مختلف تحصیلی در کشور از آموزش و پرورش ویژه برخوردارند. اما هنوز کاستیهای فراوانی به چشم می خورد که برای رفع آنها به یک اقدام جمعی و

کشور را نشان می دهد. از کل دانش آموزان استثنایی در سال ۷۵، ۴۰٫۷۵٪ پسران و ۲۹٫۶٪ دختران بوده اند. در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ تعداد دانش آموزان استثنایی برابر

جدول شماره ۲ تعداد دانش آموزان استثنایی کشور در مقاطع مختلف تحصیلی ۸۱-۸۰

| مقطع آموزش | پیش دبستانی | دبستانی | مهارت های حرفه ای | راهنمایی | متوسطه | جمع |
|---------------|----------------|---------|----------------------|----------|--------|-------|
| فراوانی | ۱۱۱۴۵ | ۴۵۹۳۶ | ۷۱۷۹ | ۴۸۲۰ | ۳۸۲۴ | ۷۲۹۰۴ |
| درصد | ۱۵٫۳ | ۶۳ | ۹٫۹ | ۶٫۶ | ۵٫۲ | ۱۰۰ |

تسهیلات حمل و نقل کافی، وجود موانع در ساختمانها و وضعیت اجتماعی، اقتصادی مردم؛ امکان تحصیل در مدارس عادی و ایجاد فرصتهای تحصیلی برابر معلولان با دیگران فراهم نیست. اجرای پیمان حقوق کودک در ایران؛ در ایران نیز با توجه به الحاق

مشارکت ملی نیاز است. وضعیت آموزش و پرورش افراد استثنایی در کشور؛ براساس گزارش مقدماتی ایران (۱۹۹۸) به کمیته ویژه پی گیری نحوه اجرای پیمان حقوق کودک در سازمان ملل در سال ۱۳۷۵، آموزش این افراد در ۸۲۵ مدرسه کودکان استثنایی دارای ۷۳۷۰

۷۲۹۰۴ نفر بوده است که آموزش این افراد در ۹۲۳ آموزشگاه انجام گرفته است. جدول شماره ۲ تعداد دانش آموزان استثنایی کشور را در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ در مقاطع مختلف تحصیلی نشان می دهد. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ از

۱۲۳۹۸۲۳۵ خانوار معمولی در کل کشور ۴۷۹۵۹۰ خانوار دارای معلول بوده اند که ۳/۹٪ کل خانوارها را تشکیل می دهد و با احتساب این رقم در کل جمعیت زیر ۱۸ سال کشور تعداد کودکان استثنایی حدود بیش از یک میلیون نفر می باشد و لذا آمار دانش آموزان استثنایی بیانگر این مطلب است که احتمالاً هنوز تعداد زیادی از این کودکان تحت آموزش مناسب قرار نگرفته اند.

حق تعلیم و تربیت افــــراد استثنایی از دیدگاه اسلام:

تعلیم و تربیت و فهم و درک مسایل اخلاقی و دینی که در واقع حیات واقعی انسان می باشد مخصوص افراد عادی جامعه نیست. بلکه شامل حال همه افراد جامعه می شود که هر کس به فراخور حال خودش باید از مبانی تعلیم و تربیت اسلامی بهره مند شود. رسول اکرم (ص) می فرماید: «کسی که فرد ناتوانی را در فهم مطالبی یاری دهد خداوند او را در سکرات مرگ برادای شهادتین یاری می نماید. و رفتن او را از این دنیا و بازگشت وی به سوی خدا را با بزرگترین اعمال همراه می سازد

و به او بشارت خشنودی خداوند داده می شود» روایات بیشماری وجود دارد که به نحوی در صدر اسلام مساله آموزش و پرورش افراد استثنایی را مطرح می سازد به طوری که جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «فردی ناشنوا پیش آمد تا آنکه نزد رسول خدا (ص) ایستاد و بادو دستش اشاره کرد. رسول خدا فرمود: دفتری به او بدهید تا آنچه را که می خواهد در آن بنویسد. پس چنین نوشت: من شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست و محمد (ص) فرستاده خداست.

رسول خدا فرمود: نوشته ای برایش بنویسد او را به بهشت بشارت دهید. چون هیچ مسلمانی نیست که بواسطه چشم و زبان یا گوش یا پا و دستش به او رنجی برسد و خدا را بر آنچه به او رسیده شکر گذارد و پاداش آن را از خدا بخواهد مگر آنکه خداوند از آن نجاتش داده، وارد بهشتش کند.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) می فرماید: «رسول خدا (ص) می خواست

گروهی را که در خانه های خود نماز می گذاردند به حضور در نماز ترغیب کند مردی نابینا نزد او آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من نابینایم و چه بسا صدای اذان را می شنوم، ولی کسی رانمی یابم تا مرا به جماعت و نماز با شما راهنمایی کند. رسول خدا فرمود: از خانه ات تا مسجد طنابی ببند و در جماعت حاضر شو.»

از روایات فوق و سایر روایات مطروحه این گونه استنباط می شود که تعلیم و تربیت مختص افراد معمولی نیست بلکه افراد معلول نیز باید از این فیض بهره مند شوند و هر چند که آنان به ظاهر ناتوانند اما این نقص مانع پیشرفتشان نمی شود. زیرا اگر این آیه شریفه (لیس الانسان الاماسعی) را باور داشته باشیم چه کسی بیشتر از این عزیزان تلاش می کند و با وجود تمام کمبودهای ذهنی، شنوایی، بینایی و... خلایقیت، هنر و ابتکار در کارهایشان هویدا است؟ اگر دولتمردان روحیه علم آموزی و هنر را در این گونه افراد تقویت کنند آنان قادر به رشد و



شکوفایی هستند.

نکنه دیگر آنکه، باتوجه به کمبود امکانات تعلیم و تربیت درصدر اسلام، پیامبراسلام توجه خاص به آموزش این گونه افراد داشته‌اند پس امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی و آموزش‌های خاص برای معلولان، وظایف دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت این افراد سنگین‌تر شده و باید توجه بیشتری به آنها مبذول شود. پس چه خوب است یا

و تربیت استثنایی استان فارس و خانواده این گونه دانش‌آموزان به ترتیب باحجم نمونه ۳۳۹ نفری و ۲۰۴ نفری انتخاب شدند و پرسشنامه میزان آگاهی و آشنایی باپیم—ان‌نامه حقوق کودک دراختیارآنان قرار گرفت.

نتایج حاصله از پرسشنامه‌ها نشان داد که باتوجه به اینکه ۶۲/۸٪ مدرک تحصیلی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت استثنایی لیسانس و

نشان داد که باتوجه به اینکه ۴۴/۱٪ خانواده (شامل پدر، مادر، برادر و خواهر) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر هستند، تنها ۱۰/۸٪ با این حقوق آشنایی دارند.

بحث و نتیجه گیری:
باتوجه به مطالب ذکر شده درصفحات پیشین و همچنین اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برخورداری از آموزش عمومی رایگان را حق تمامی افراد جامعه بدون درنظر گرفتن هرگونه تفاوت می‌داند و با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: «مقررات عمومی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌ها منعقد شده باشد درحکم قانون است» لذا باید توجه نمود که پیمان نامه حقوق کودک درایران درحکم قانون بوده و از منابع حقوق داخلی بشمار می‌رود و مانند سایر قوانین کشور لازم‌الاجرا است و همچنین با توجه به دیدگاه اسلام در امر آموزش و پرورش فرزندان، لزوم برابرسازی فرصتها بیش از پیش محرز می‌گردد. در همین راستا از اوایل قرن بیستم همراه با تکامل مفاهیم حقوق بشر به وضعیت معلولان که در شرایط دشوار زندگی به سر می‌برند و نیازمند کمک‌های ویژه هستند، توجه خاصی معطوف گشته و حقوق ویژه‌ای برای آنان در نظر گرفته شده است. بخش مهم و اساسی از این حقوق



بالاتر و ۳۱/۵٪ فوق دیپلم و ۱۰/۶٪ دیپلم است اما تنها ۲۹/۸٪ از آنان که شامل مدیران، مشاوران، سرپرستان آموزشی، مربیان بهداشت، کارشناسان آموزشی، معلمان و کادر توانبخشی آموزشگاههای استثنایی استان فارس هستند با این حقوق (تنها حقوق عامه) آشنایی دارند و بقیه حتی از حقوق عامه نیز بی‌خبرند. تجزیه و تحلیل پرسشنامه خانواده دانش‌آموزان استثنایی

استعانت از خدای تعالی برای احقاق حقوق معلولان کمر همت ببندیم اما زمانی می‌توان از احقاق حقوق صحبت نمود که حقوق را شناخت. متأسفانه میزان آگاهی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت این گونه افراد از حقوق حقه آنان بسیار کم است.

دریک پژوهش که به منظور بررسی میزان آگاهی اقتشار جامعه لزیمان‌نامه حقوق کودک صورت گرفت، دوگروه نمونه از دست‌اندرکاران تعلیم

ویژه مربوط به آموزش و پرورش است که از جمله لزوم استفاده از آموزش ویژه و وسایل کمک آموزشی متناسب با وضع جسمانی معلولین، آموزشهای اجباری و رایگان، حق ادامه تحصیل تاهر مرحله ممکن، حق آموزش در مدارس عمومی و در کنار افراد سالم اجتماع و امکان برخورداری از آموزشهای فنی و مهارتهای شغلی در زمره حقوق آموزش و پرورش افراد استثنایی است که باید در جهت احقاق آن، مشارکت ملی و بسیج عمومی صورت گیرد و این زمانی میسر است که تملی است ان در کاران تعلیم و تربیت اینگونه کودکان با حقوق آنان آشنایی داشته باشند و این امر از طریق آموزش مواد پیمان حقوق کودک تا حدودی میسر است.

نخستین قدم درک ماده های پیمان حقوق کودک است.

اما فقط درک، شرط کافی نیست تا همه آحاد جامعه احساس مسوولیت کنند بهترین راه یادگیری گذشتن از سه مرحله است:

- ۱- اکتشاف در حقوق کودک، جمع آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات.
- ۲- پاسخگویی به اطلاعات جمع آوری شده، آشنایی با دیدگاههای دیگر.
- ۳- همکاری جدی و عملی در محیط خود افراد با تلاش و عملی کردن موارد حقوقی پیمان حقوق کودک از بسیاری حقوق اولیه کودکان پشتیبانی می کند اما حق والدین را که

می توانند تصمیم بهتری درباره فرزندان خود بگیرند نقض نمی کند. در حقیقت این پیمان از تمامی دولتهای خواهد که تمام کوشش خود را برای برقرار ماندن بنیاد خانواده به کار برند و از هیچ کمکی به خانواده ها دریغ نکنند. تا آنها نیز بتوانند مسوولیت های عمده خود را نسبت به پرورش کودکانشان انجام دهند. پیشبرد حقوق کودک به مفهوم ایجاد تضاد بین کودکان، بزرگسالان و مسوولان آنها نیست، بلکه آماده سازی همه مردم است تا برای زندگی سالم، بی خطر و پر بار کودکان و استفاده مساوی از فرصتهای آموزشی همکاری کنند.

آموختن برای بدست آوردن حقوق، فقط زمانی میسر است که در فعالیتهای گروهی، هر فرد محترم و با ارزش باید محیطی که در آن پیشداوری جایی نداشته باشد و بیان آزادانه عقاید امری طبیعی باشد.

خلاصه اینکه آموزش حقوق کودک زمانی موثر است که فقط ذهنی نباشد و بتوان با شیوه های عملی زمینه های تحقق آن را فراهم ساخت و اگر می خواهیم به تحقق حقوق کودک استثنایی جامعه عمل بپوشانیم باید ابتدا در زمینه تغییر نگرش اقشار مختلف جامعه اقدام نماییم و این امر تلاش همگانی را می طلبد که می توان از طریق رسانه های جمعی، کلاسهای آموزش خانواده، تشکیل راه اندازی نمایشگاه تو انمندیهای کودکان استثنایی، معرفی افراد موفق

استثنایی و تواناییهای آنان عملی می گردد همچنین می توان آموزش عملی حقوق کودکان را در برنامه آموزشی معلمان، والدین و کودکان جای داد تا همه از حقوق آنان مطلع شوند و در راه تحقق آن گام بردارند.

زیر نویس ها:

- 1- Handicap
- 2- Person With Disability
- 3- Dason
- 4- Zarren
- 5- Ezenberg & Welcheek
- 6- D. Peteroo
- 7- Dook Etal
- 8- Dook & Likert
- 9- Learn-helplessness
- 10- Parsoonze & Kakzalla
- 11- Internalizatio
- 12- Leeovesen

منابع:

- رضایی، محمد تقی، پیروی، بریسا، بررسی حقوق کودکان استثنایی در اسناد و کنوانسیونهای بین المللی و عملکرد آن در ایران، همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، خلاصه سخنرانیها و مقالات (۱۳۷۹)
- رفاهی، ژاله، لزوم توجه و آموزش فراگیر شهر آرای، مهرناز، روان شناسی کودک و نوجوان، انتشارات تربیت معلم.
- سهروردی، علامه، نهج الهدایه (سخنان محمد (ص)) خطیب، ع پیام - تهران ۱۳۵۳
- عبادی، شیرین، حقوق کودک - انتشارات روشنگران (۱۳۷۱)
- عبادی، شیرین، حقوق تطبیقی کودک، انتشارات روشنگران (۱۳۷۴)
- فائزین، سوزان، راهنمای کارگاههای شناخت حقوق کودک - مترجم صنعتی - مهدخت - یوسفی، ناصر - انتشارات کانون زستان (۱۳۷۵)
- ادیب، نرگس - حقوق کودکان استثنایی، همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران - خلاصه سخنرانیها و مقالات، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در تهران (۱۳۷۹)

